

به نام خدای مهربان



# ماجراجویان کهکشانشان

۳

## زامبی‌های اورانوس

رمان نوجوان - علمی تخیلی



تومی دونبوند • امیرحسین میرزاییان

## زامبی‌های اورانوس

تومی دونبوند

ترجمه‌ی امیرحسین میرزاییان

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

ویراستار: سیما طاهری

زیر نظر شورای بررسی

صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۵/۶۸۹

چاپ سوم: ۱۳۹۹ • تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۷۸-۵

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای

موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

چاپ سوم

## فهرست

- با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید..... ۴
- جلسه‌ی تمرین کیهان..... ۶
- فصل اول: خرگوشک..... ۱۰
- فصل دوم: زامبی..... ۱۸
- فصل سوم: محاصره..... ۲۸
- فصل چهارم: گاز نجات بخش..... ۳۳
- خودآزمایی..... ۴۶
- چگونه از خواندن این کتاب بیشتر لذت ببریم؟..... ۴۷
- درباره‌ی نویسنده..... ۴۸
- پاسخ خودآزمایی..... ۴۸

سرشناسه: دونبوند، تامی Donbavand, Tommy

عنوان و نام پدیدآور: زامبی اورانوس / نویسنده تومی دونبوند؛ مترجم امیرحسین میرزاییان.

مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.

مشخصات ظاهری: ۴۸ ص: مصور.

فروست: ماجراجویان کهکشان.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۷۸-۵ . دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Undead on uranus.

موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: میرزاییان، امیرحسین، ۱۳۶۴ -، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ PZ۷/د۸۷ز۲

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴ج

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۱۴۸۴



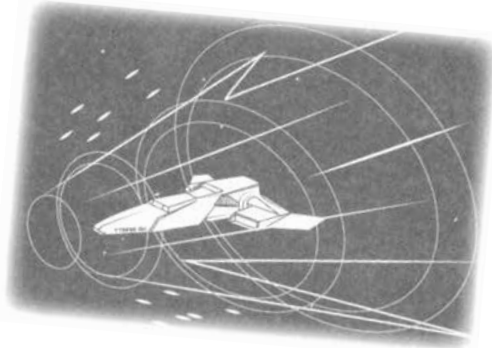
Paper from well managed forests  
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع  
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.

## تحت تعقیب



جیزر



سفینه‌ی اچ اس اینفینیتی

## با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید

دَن



نام: دن فایربال

سمت: فرمانده

سن: ۱۲

اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: پشت صندلی

فرماندهی پنهان شود و با ترس

بپرسد: «هنوز نرسیدیم؟»

نام: ولت

سمت: دستیار

سن: خیلی خیلی پیر!

اهل سیاره: زهره

کار مورد علاقه: از آگروز

روی شانهاش بخار بیرون بزند و

اعلام کند: «پرش انجام شد!»

وَلت



اَسْترا



نام: استرا مون

سمت: افسر ارشد

سن: ۱۱

اهل سیاره: ماه

کار مورد علاقه: در مقابل

جیزر بایستد، یک گارد کاراته‌ای

بگیرد و بگوید: «بیا جلو!»

گاس



نام: گاس باستر

سمت: رئیس کیهان

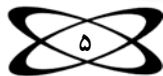
سن: ۱۵

اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: ناگهان روی

صفحه‌ی مانیتور ظاهر شود و


فریاد بزند: «فایربال، کجایی؟»

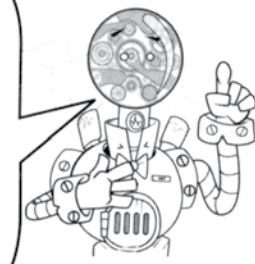




## جلسه‌ی تمرین کیهان

### تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی

درود بر تازه‌واردها!  
اسم من ولت است و معلم سایبری  
امروز شما هستم. اگر می‌خواهید شما  
هم یک مأمور کیهانی  باشید،  
باید تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی را  
بدانید، پس باید این بخش را بخوانید.



ولت

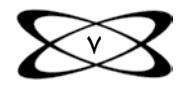
در آن دوران مشکلات زیادی وجود داشت. بزرگ‌ترها زمین را  
آلوده کرده بودند و بدتر از  
همه این که همین کار

را با هشت سیاره‌ی  
دیگر منظومه‌ی  
شمسی هم کردند.  
حقیقت این است  
که بزرگ‌ترها  
تا مدت‌ها اصلاً  
نمی‌دانستند پلوتن  
واقعاً یک سیاره است!



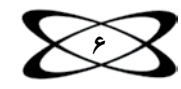
تا این که در سال ۲۲۸۱، بچه‌ها کنترل منظومه‌ی شمسی را به  
دست گرفتند.

حالا دیگر بزرگ‌ترها در هجده  
سالگی بازنشسته می‌شدند  
و بچه‌ها آن‌ها را به خانگی  
سالمندانی که در ایستگاه‌های  
فضایی ساخته شده بود  
می‌فرستادند. بچه‌ها فقط سه سال  
در مدرسه می‌ماندند و اکثرشان تا  
هشت سالگی، دیگر صاحب شغل  
شده بودند.

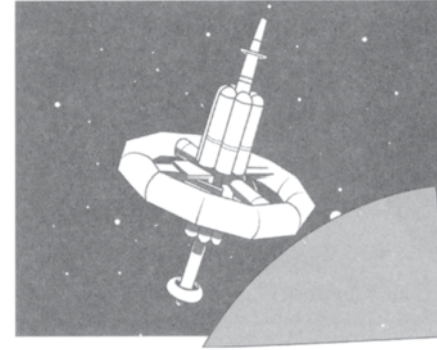


مدت‌ها پیش، بزرگ‌ترها کنترل همه  
چیز را به دست داشتند. تمام شغل‌ها  
مال آن‌ها بود، دولت‌ها را آن‌ها اداره  
می‌کردند و تازه کنترل تلویزیون هم  
همیشه دستشان بود.

بچه‌ها ناچار بودند تا هجده سالگی در  
مدرسه بمانند. آن‌ها مجبور بودند هر  
کاری که پدر و مادرشان می‌گفتند  
انجام دهند. بزرگ‌ترها پول کمی هم  
در اختیار بچه‌ها می‌گذاشتند که به  
آن «پول توجیبی» می‌گفتند.



بدین ترتیب منظومه‌ی شمسی به سرعت به جایی شادتر، امن‌تر و تمیزتر برای زندگی تبدیل شد.



اما همه‌ی بزرگ‌ترها بازنشستگی را در هجده سالگی دوست نداشتند. عده‌ای شورش کردند و از خانه‌ی سالمندان گریختند. آن‌ها شروع کردن به ایجاد دردسر و انجام کارهای خلاف.

برای همین بود که سازمان **کیهان** به وجود آمد:

**کیهان**؟ مخفف این کلمات است:

کمپانی

یافتن

همه

اشتباهات

فابخشودنی

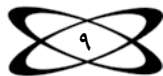
یکی از بدترین این خلافکاران، مردی به نام جیزر بود. هدف **کیهان** این بود که جلوی کارهای خلافش را بگیرد.

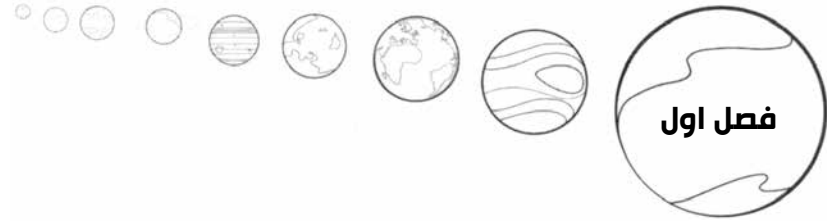
اعضای **کیهان** به همه جای منظومه‌ی شمسی سر می‌زدند تا معماهای پیچیده را حل و بزرگسالان خلافکار را دستگیر کنند. سرنشینان سفینه‌های پرشی **کیهان** می‌توانستند از میان تونل‌های مغناطیسی نامرئی کهکشانی به نام منطقه‌ی پرش بگذرند و به دنبال ماجراهای تازه بروند، بنابراین به آن‌ها ماجراجویان کهکشانی می‌گفتند.



منم در کنار دن فایربال و استرا مون مشهور، عضو تیم ماجراجویان کهکشانی بودم.

حالا اگر ورق بزنید، می‌توانید داستان ترسناک‌ترین مأموریت ما را بخوانید.





## خرگوشک

گزارش رسمی وقایع سفرهای

سفینه‌ی فضایی اچ اس اینفینیتی

مأموریت سوم:

زامبهای اورانوس

گزارش از این قرار است:

درهای کابین فرماندهی سفینه‌ی اچ اس اینفینیتی ویژرژکنان باز شد. افسر ارشد، استرا مون، با جعبه‌ی کوچکی که با کاغذ نقره‌ای رنگی بسته‌بندی شده بود، وارد کابین شد.

او در حالی که بسته را روی میز فرماندهی می گذاشت، گفت: «روبات‌های پستچی، تازه این بسته را آورده‌اند.»

دن فایربال که روی صندلی فرماندهی نشسته بود گفت: «هیس! نمی‌بینی دارم مطالعه می‌کنم؟»

استرا ابرویی بالا انداخت و گفت: «تو و خواندن؟ یک کتاب درست و حسابی؟ کلمه هم دارد؟»

دن به او نگاه کرد و گفت: «البته که درست و حسابی است! چه فکر کرده‌ای؟»

استرا به شوخی گفت: «فکر کردم تنها کتاب‌هایی که تو از کتابخانه‌ی کیهان برمی‌داری نقاشی و رنگ آمیزی کودکان است!»



دن با ریشخند گفت: «هاهاها! خندیدم! چقدر بامزه‌ای تو! اما باید بدانی که این یک کتاب تاریخ طبیعی بسیار جالب است!»

استرا گفت: «راست می‌گویی؟ اسمش چیست؟»

دن عنوان کتاب را از روی جلدش خواند: «چگونه از خرگوش دست آموزتان نگهداری کنید.»

استرا با شگفتی پرسید: «می‌خواهی خرگوش نگه‌داری؟»

